ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

در بارهٔ «جشن های ۲۵۰۰ سالگی شاهنشاهی»

بنابه تصمیم دربار پهلوی، با شکوه و جلالی بیش از جریان تاجگذاری، جشن باصطلاح «۲۵۰۰ سالگی شاهنشاهی» برگزار میشود. در عصر خلقها، در عصر دموکراسی نوین، این یك وصله ناجور است. ولی هیئت حاکمه ایران درست بهمین وصلهٔ ناجور نیازمند است تا آنشکل حکومت و فرمانروائی را که مطلوب اوست تقدیس کندوجاویدان سازد. ما دربارهٔ مخارج اسراف آمیز و افسانه واری که برای این منظور خود پسندانهٔ دربار انجام میگیرد جداگانه در همین شماره سخن خواهیم گفت. در اینجا میخواهیم برخی تذکرات اصولی خویش را در این باره بیان داریم.

تاریخ ۲۵۰۰ سالگی که مبلغان رژیم آنرا بعنوان آغاز پیدایش پادشاهی درایران و بمثابه مبداء تشکل خلقهای کشور ما ذکر میکنند تاریخ درستی نیست، زیرا تاریخ کشور از این جهت بمراتب کهن تر است. این تاریخ تنها میتواند تاریخ سلطنت کوروش هخامنشی باشد. رژیم این امر را بهانه قرار داده است تا بمقاصد فعلی و آتی خویش جامه عمل بپوشاند و برای اینکار از مغلطه در تاریخ کشور ما نیز احترازی ندارد. رژیم با ایجاد آنچه که حتی روزنامه های بورژوائی غرب آنرا «سوپر شائو» (ماوراء نمایش) نام نهاده‌اند و با اتلاف گستاخانه میلیونها میلیونها ریال از سرمایه ملتی فقیر، میخواهد فلسفهٔ دولتی خویش را برخ جهانیان و در درجه اول مردم رزمنده ایران بکشد و ثبات منسوخ و

دنباله در صفحه ۸

درآمد نفت و مرگ دلار

بحران دلار

بعد ۱۵ ماه اوت نیکسون اعلام داشت که دو ایالات متحده امریکای شمالی قابلیت تبدیل دلار بطلا را متوقف میکند، ده درصد بر گمرك کالاهای صنعتی وارداتی میافزاید و نرخ کالا و دستمزد کارگران را در داخل کشور برای سه ماه ثابت نگهمیدارد. توقف تبدیل دلار بطلا بدان معناست که «قارون قرن بیستم» دیگر حکومت پولی خود را در سیستم جهانی سرمایه داری از دست داده و دچار انحطاط و بحران پولی شده است. علائم این بحران از سال ۱۹۶۸ نمودار بود و اینك علیرغم تلاشهای بیهودهٔ امریکا برای تثبیت قیمت دلار باوج خود رسیده است. تأثیر نطق رادیو ـ تلویزیونی نیکسون در خارج از کشور صاعقه آسا بود. بطوریکه قیمت دلار که بهر حال درحال سقوط بود بسرعت پائین آمد. در بازار های اروپا قیمت دلار بین ۸ تا ۱۰ درصد تنزل کرد و بهای طلا در بازار لندن بالا رفت. افزایش ده درصد بر گمرك کالاهای صنعتی وارداتی امریکا در کشور هائی مانند آلمان غربی و ژاپن و نظائر آنها که قسمت مهمی از کالاهای خود را بامریکا صادر میکنند تأثیر گیج کننده‌ای داشت. در اروپای غربی کشور های بازار مشترك که بکلی از تصمیمهای امریکا بی اطلاع بودند با شتاب گرد آمدند تا چاره‌ای بیاندیشند و جبهه واحدی در برابر «رهبر جهان آزاد» تشکیل دهند. اما بعلت عدم

دنباله درصفحه ۲

اعلامیه حزب توده ایران
دربارهٔ وقایع غم انگیز وخونین سودان

اخبار غم انگیزی از سودان میرسد که همهٔ احزاب و سازمانها، همه عناصر مترقی سراسر جهان را سخت نگران و اندوهگین ساخته است. حکومت جعفر نمیری و هوا ـ دارانش پس از سلطه مجدد بر سودان از اعضاء و طرفداران حکومت کوتاه‌مدت ژنرال النور و ژنرال العطا و حزب کمونیست سودان و اتحادیه کارگران این کشور و دیگر سازمانهای خلقی که از یك خط مشی مترقی در سیاست داخلی و خارجی سودان حمایت کرده بودند بسختی انتقام میکشند. اینروزها دار کشیدنها، تیر بارانها، بازداشت ها، غارت خانه ها، شکنجه ها، داوریهای صحرائی استیناف ناپذیر، تبلیغات عنان گسسته ضد

دنباله در صفحه ۳

تلگراف کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران به ژنرال نمیری دائر به اعتراض به خونریزیهای سودان

سودان ـ خرطوم

آقای ژنرال نمیری!

با نهایت تأسف از جریان حوادث اخیر و اقدامات تروریستی برضد میهن پرستان و ترقیخواهان سودان اطلاع یافته ایم. در جریان این حوادث عده زیادی از میهن پرستان و ترقیخواهان برجسته سودان، از جمله عبدالخالق محجوب دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان و شافعی الشیخ دبیر

دنباله در صفحه ۳

نظری به گزارش بانك مرکزی
در بارهٔ وضع اقتصادی کشور

گزارش بانك مرکزی در بارهٔ اوضاع اقتصادی کشور در سال ۱۳۴۹ ارقامی بدست میدهد که با نظری بالنسبه دقیق میتوان جهت ناسالم رشد اقتصادی کشور را که متضمن خطر های جدید است دریافت. در این گزارش گفته میشود که در سال گذشته تولید ناخالص ملی بقیمت ثابت در حدود ۱۰ درصد رشد کرد و همین رقم رشد ۱۰ درصد است که دستاویزی بمبلغین رژیم داده تا ادعا کنند که گویا وضع اقتصاد ایران درسالیکه گذشت درخشان بود. اما اگر در ارقام ریز این رشد سالانه که در گزارش بانك مرکزی آمده دقیق شویم متوجه خواهیم شد که جائی برای خوشبینی نیست. گزارش بانك مرکزی حاکی است که از ۱۰ درصد رشد تولید نا خالص ملی ۳ر۳ درصد نتیجه افزایش درآمد نفت و ۱ر۳ درصد بابت خدماتست که رشد خدمات نیز خود ناشی از درآمد نفت است. و اما عناصر اصلی تولید ملی یعنی صنعت و کشاورزی در سالیکه گذشت وضع خوبی نداشته اند. کشاورزی کشور در عرض یکسال فقط ۶ر۰ درصد از افزایش تولید ناخالص ملی راتأمین کرده وصنعت و معدن روبهمرفته ۱ر۸ درصد بعبارت دیگر این دو عنصر اصلی تولید ملی تنها ۵ر۲ درصد از افزایش تولید ناخالص را بدست داده اند و ۵ر۷ درصد باقی مربوط به عناصر دیگریست که در واقع امر و بمعنی واقعی کلمه جزو تولید ملی نبوده و اوضاع اقتصادی کشور را منعکس نمیکنند.

دنباله در صفحه ۶

حراج منابع نفتی ایران

بدنبال مزایده نفتی سه منطقه دریائی و یك منطقه خشکی، در روز ۵ مرداد ماه اعلام شد که شرکت ملی نفت ایران سه قرار داد نفتی با شرکتهای خارجی منعقد ساخته است.

مختصات قرار داد های نفتی

مختصات سه قرار داد جدید نفتی بر اساس نخستین اطلاعاتی، که روزنامه ها داده اند بقرار زیر است:

قرارداد اول با چهار شرکت نفتی ژاپنی است. منطقه اکتشاف ۸ هزار کیلومترمربع از اراضی لرستان است. شرکت ملی نفت ایران ۳۰ میلیون دلار پذیره نقدی و ۱۰ میلیون دلار پذیره مشروط به بهره داری دریافت خواهد کرد. ظرف ۶ سال ۲۵ میلیون دلار نیز صرف اکتشاف خواهد شد. از شرکتهای ژاپنی برای ضمانت عملیات ۱ر۳ میلیون دلار تضمین نامه دریافت شده و قرار است بالا بشگاهی نیز با شرکت ژاپونیها تأسیس شود.

قرارداد دوم با شرکت امریکائی «آمراداهس» منعقد شده که «شرکت بوشهر» نام گرفته است. منطقه اکتشاف ۳۷۱۵ کیلومتر مربع است که در خلیج فارس مقابل بندر بوشهر قرار دارد. شرکت امریکائی ۵ میلیون دلار پذیره نقدی و ۶ میلیون دلار پذیره مشروط میپردازد. این شرکت تعهد کرده است که ظرف ۶ سال ۲۲ میلیون دلار خرج اکتشاف نماید.

قرارداد سوم با شرکت امریکائی «موبیل» (یکی از هفت کمپانی عظیم نفتی جهان) منعقد شده که «شرکت نفت هرمز» نام گرفته است منطقه اکتشاف ۳۵۰۰ کیلو

دنباله در صفحه ۷

مبارزه مردم ادامه دارد

علیرغم اختناق و اعمال شیوه های خشن برای سرکوب جنبش مردم، مبارزه مردم علیه امپریالیسم و ارتجاع ادامه دارد. این مبارزه با آنکه بعلت فشار بصورت تك جوشها در عرصه های مجزا و گاه نیز در مجرای نادرست سیر میکند ولی در عین حال نشانه این واقعیت است که ۱۸ سال حکومت زور و تزویر قادر به خاموش ساختن شعلهٔ مبارزه مردم نبوده و نیست.

طبقه کارگر ایران که فشار سنگین گرانی هزینه زندگی، کمی دستمزد، شرایط نامساعد کار را بر دوش دارد، با توسل به حق قانونی اعتصاب برای بهبود زندگی و کار خود مبارزه میکند. تازه ترین نمونه آن تظاهرات مسالمت آمیز کارگران کارخانه های

دنباله در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱

درآمد نفت و مرگ دلار

وحدت منافع بنظر مشترکی نرسیدند. منافع فرانسه که فقط پنج در صد از کالا های صنعتی خود را بامریکا صادر میکند و درمقابل دو برابر آنرا از امریکا وارد میکند با منافع آلمان فدرال که بیش از ده درصد کالاهای صنعتی خود (و در درجه اول اتومبیل) بامریکا صادر میکند و یا ژاپن که سی در صد از کالا های خود را ببازار امریکا سرازیر مینماید بکلی متفاوت و در مواردی متضاد است.

سیاست تجارت آزاد که امریکا بدان میبازید امروز محکوم بمرگ شده وحکومت امریکا برای تثبیت قیمت دلار، قرار از ورشکستگی کامل و نبرد تجاری با «دوستان» و متحدان خود، بسیاست تجاری حمایت شده و تدبیری که مستقیما بزیان دیگر کشورهای سرمایه داری و تحمیل تازه‌ای بطبقه کارگر و زحمتکشان امریکا و بطور غیر مستقیم به زحمتکشان کشور های دیگر است، گرائیده است.

بحران ارزی در سیستم سرمایه داری که اینك باوج خود رسیده نمونه روشنی از تضادهای آشتی ناپذیر در درون سیستم‌جهانی سرمایه داریست. کوشش این سیستم برای خروج از بحران و سرپوش گذاشتن بر روی آن سرانجام به نتیجه نرسید. بحران با حالتی انفجاری از درون نیرومند ترین کشورسرمایه داری جهان آتشفشانی کرد. نیکسون با تصمیمات خود ناپایداری و بحران را تشدید و هویدا کرد. این تصمیمات ناقض قرار داد هائی است که بین کشور های غربی اروپا و امریکا وجود داشته و از جمله آنها قرار داد های پولی در سال ۱۹۴۴ است که قرارداد «برتن - وود» نامیده میشود. طبق ماده پنجم این قرارداد پشتوانه پول بین المللی طلا و یا دلار که قابل تبدیل بطلا است، میباشد. همچنین قرارداد دیگری بنام «گات» منعقد در ژنو که طبق آن هر گونه تغییری درحقوق گمرکی در کشور های سرمایه داری غرب نباید بدون اطلاع قبلی دیگران انجام گیرد. امریکا که درنتیجه جنگ تجاوز کارانه در هندوچین و سایر هزینه های نظامی دچار کمبود موازنه پرداخت ها شده، هدفش از نقض این تعهدات اینست که بحساب متحدینش این کمبود را جبران کند و دلار را از سقوط کامل نجات بخشد. بدیهی است که کشور های سرمایه داری کوشش خواهند کرد زیانی را که از طرف امریکا بدانها تحمیل شده با تشدید استثمار طبقه کارگر خودی از طریق ثابت نگهداشتن مزد ها، تقلیل آنها و در صورت لزوم بیکار کردن زحمتکشان، جبران نمایند.

دلار و فروشندگان نفت

تمام کشور هائی که درآمد آنها بر اساس قرار داد های وابسته بدلار در زمینهٔ صادرات است دچار زیان بزرگی میشوند از جمله کشور های صادر کننده نفت که فروش خود را بر اساس دلار نهاده اند اگر در بهای نفت تجدید نظر نکنند قسمت قابل توجهی از درآمد خود را برایگان از دست خواهند داد. هم اکنون ارزش واقعی درآمد کشور ما نسبت به بهائی که در قرار داد تهران برای صادرات نفتی از خلیج فارس تعیین شده بین ۸ تا ده در صد تنزل کرده است. اگر درآمد ایران را پس از مبارزه (اوپك) با کمپانیهای بزرگ نفتی جهان به بیش از یکمیلیارد و نیم دلار تخمین بزنیم دست کم باید گفت که ۲۰۰ میلیون دلار زیان پائین آمدن بهای دلار متوجه ما شده است. بعبارت دیگر یکمیلیارد و ششصدمیلیون ریال بدرآمد ما از نفت لطمه خورده است. در قرار داد اخیر ایران و کنسرسیوم در مورد بهای نفت دو درصد برای تنزل ارزش دلار در نظر گرفته شده در حالیکه عملا هم اکنون ده در صد از ارزش واقعی آن کاسته است. پس از قرار داد تهران شاه ضمن یك مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت که ما بقرار داد پنج ساله خود در مورد بهای نفت وفا داریم ولی اضافه کرد مگر آنکه وضع فوق العاده ای پیش آید. اکنون این وضع فوق العاده که در آینده فوق العاده‌تر خواهد شد پیش آمده است. روزنامه المجاهد ارگان رسمی حکومت الجزیره در شماره ۱۷ اوت خود نوشت که «تصمیم نیکسون بیش از همه به کشور های ما زیان میرساند تا به کشورهای ثروتمند» پس از مقدمه‌ای مستدل این روزنامه خواستار تجدید نظر درقرار داد های نفت تهران و تریپولی است. از سوی دیگر گوینده سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپك) در همین روز در وین اعلام‌داشت که کشور های عضو این سازمان بطور خود بخود قیمتهای حساب شده نفت بدلار را اگر دلار موقعیت خود را از لحاظ برابری با طلا از دست بدهد، با وضع روز تطبیق خواهند داد. اکنون که این مقاله را مینویسیم نمیدانیم که در جلسه فوق العاده اوپك که در بیروت قبل ازپایان مرداد ماه تشکیل میشود چه‌مسائلی مطرح خواهد شد و چگونه از منافع کشور های صادر کننده نفت در مقابل انحصارات‌نفتی دفاع میشود و منتظر آن هستیم که ببینیم دولت ایران در اینمورد چه رویه ای در پیش خواهد گرفت. برای ما این سئوال مطرح است که آیا حکومت ایران باز هم مانند مذاکرات اخیر اوپك در تهران در مورد بهای نفت خام، راه قناعت و «اعتدال» را تعقیب‌خواهد نمود یاآنکه مانند کشورالجزیره لیبی و عراق که بعلت‌پافشاری انحصارات نفتی را بعقب نشینی بیشتری وادار و بهای بالاتری ازبهای نفت ایران را بسود کشور خودتأمین کردند، راه مقاومت و مبارزه برای استیفای حقوق مردم ایران را خواهد پیمود.

«وفاداری بعهد» درمقابل غارتگرانی که صنایع ملی شده نفت ایران را بزور کودتا

دنباله از صفحه ۱

مبارزهٔ مردم ادامه دارد

جهان بود که از طرف دولت وحشیانه بخون کشیده شد.

دهقانان از یکسو برای عدم پرداخت اجاره بها، قسط زمین، بهره مالکانه و آب بها به اشکال گوناگون مبارزه میکنند و از سوی دیگر خشکسالی دو سال اخیر دربرخی بخشهای کشور عرصه را برآنان تنگ کرده و در طلب کار و نان سرپسوی شهر ها گذارده‌اند. با آنکه دولت از انعکاس‌مبارزه دهقانان در جرائد ایران جلوگیری میکند ولی حتی اخبار سانسور شده و اولتیماتوم‌های گاه بگاه وزارت اصلاحات ارضی بدهقانان، بیانگر این واقعیت اند.

دانشگاههای ایران بویژه در دوران اخیر به مراکز مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم دیکتاتوری تبدیل شده اند. اعتصاب اخیر معلمین نیز نشانه روشنی از نارضایتی این‌قشر روشنفکر و زحمتکش و پیکارش در راه مطالبات سیاسی و صنفی خویش است.

عکس العمل رژیم در برابر مبارزات مردم بنا به ماهیت‌ضددموکراتیك خود پیوسته سرنیزه و زندان و تیر باران بوده است. حریم آزادیهای اساسی مردم بیش از پیش مورد دستبرد مأموران ساواك قرار گرفته و عرصه بازداشتهای غیر قانونی، داغ و درفش زندانیان، محاکمات دربسته، اعدامهای‌بدون محاکمه، زندانی کردن و تبعید مبارزان گسترش بیشتری یافته است. گزارش های ناظران خارجی حاکی از آنست که فقط طی یکسال اخیر هزار ها نفر بازداشت و یا زندانی شده اند. در یورشهای مکرر نیرو های پلیس و سازمان امنیت به صفوف کار تصاحب کرده اند و بهیچ عهد و قانونی جز سود و باز هم سود پایبند نیستند مفهومی جز پشت پا زدن بمنافع وحقوق مردم ایران‌ندارد.

بحران دلار که شکست مفتضحانهٔ دیگری برای امریکا و موجب تزلزل مجموعه سیستم امپریالیستی است، شرایط تازه ای برای استیفای کامل حقوق مردم ایران از صنایع ملی‌شده نفت بوجود آورده و هیچگونه بهانه ای نمیتواند پاسخگوی خواست ملی و ضد استعماری مردم ما باشد. کشور های فروشنده نفت و در رأس آنها کشور ما نباید قربانی بتی شوند که در حال فرو ریختن‌است بلکه باید بتلاشی آن با تشدید مبارزهٔ ضد امپریالیستی که در حال حاضر مرکز ثقل‌آن درمسئله نفت قرار دارد، قیام و اقدام کنند.

دولت ایران که بنام اجرای برنامه های خود دست توسل بدامان بانکها ومؤسسات مالی خارجی برای گرفتن وام میزند ودسترنج زحمتکشان ما را بصورت بهره به رباخواران بیگانه میپردازد، نباید ناظر غارتگری های انحصارات نفت و بر باد رفتن ثروت ملی ما باشد، بلکه باید باتجدید نظر در قرار داد ظالمانه کنسرسیوم نفت و قرار دادهای نظیر آن دست کم از زیان ناشی از شکست‌دلار جلوگیری کند.

ا. گویا

گران اعتصابی، دانشجویان دانشگاهها و معلمین، عدهٔ زیادی مجروح ومصدوم و کسانی نیز بقتل رسیده اند. پلیس حریم استقلال دانشگاه را نقض نموده و بطور دائم درآنجا مستقر شده است. عده ای از روشنفکران مبارز، جمعی از بازاریان و روحانیون میهن پرست نیز بجرم اعتراض به خفقان و نفوذ انحصارات در عرصه های گوناگون حیات اقتصادی مورد یورش مأموران ساواك قرار گرفته اند.

با نزدیك شدن جشنهای ۲۵۰۰ سالگی زمامداران ایران فشار را بر مردم شدید تر کرده اند. تأمین هزینه های سرسام آور جشنهای ۲۵۰۰ سالگی موجب تحمیلات‌ناروا به قشر های گوناگون مردم زحمتکش شده است. خرجهای زائد و تجمل وافر این‌جشن ها بعق عدم رضایت مردم، کسبه، اصناف، بازرگانان، کارمندان دولت، کارگران و دانشجویان را موجب شده است. زمامداران ایران میخواهند این جشن ها را در محیط باصطلاح «آرام» برگزار کنند و به میهمانان خارجی خود نشان دهند که جشنهای ۲۵۰۰ سالگی جشن «ملی» مردم و با شرکت مردم است. برای تأمین این منظور و برای ایجاد این محیط باصطلاح «آرام» است که شبکهٔ گستردهٔ ساواك فعالیت خود را در بین کلیه قشرها وطبقات افزایش‌بخشیده و در برابر کمترین نشانهٔ عدم رضایت مردم عکس العمل‌های خشن میکند. بموجب‌اطلاع مطبوعات خارجی روز ۲۱ اوت بازداشتهای جدیدی انجام گرفته و گروهی از دانشجویان، معلمین، کارمندان دولت باین اتهام که گویا در خانه‌های آنان اسلحه کشف شده بازداشت شده اند. هشت نفر کارگر بیگناه نیز بدنبال انفجاری که در آسانسور وزارت دارائی‌رخ داد بازداشت شده اند. تشدید فشار بر مردم برخلاف ادعای سران رژیم علامت قدرت نیست. زمامداران ایران از یکسو مدعی اند اند که ایران «جزیره ثبات» در خاورمیانه است و مردم «پشتیبان» اقدامات آ. هستند واز سوی دیگر هراعتراض ساده، هراعتصاب قانونی و هر تظاهر مسالمت آمیز آنان را بخود میلرزاند. واقعیت آنست که نفوذامپریالیسم و غارت کشور بوسیله انحصارات‌خارجی، فقدان دموکراسی، نبودن عدالت اجتماعی و وجود یك اقلیت بیکاره و امتیاز جو که همهٔ نعم مادی و معنوی سرزمین ثروت خیز ما را بخود تخصیص داده از علل عمده نا رضایتی مردم است و تا زمانیکه سیاست هیئت حاکمهٔ ایران بر این پایه استوار است مبارزهٔ مردم تا پیروزی کامل هدفهای عادلانه جنبش ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ادامه خواهدیافت.

مینو

آگهی

خوانندگان گرامی میتوانند نشریات توده را در وین از کتابفروشی زیر دریافت کنند:

Österreich
Globus-Buchvertrieb
Salzgries 16
A — 1011 Wien

برمه در راه تکامل مترقی اجتماعی

از سال پیش «حزب برنامه سوسیالیستی برمه» بعنوان سازمانی مرکب از گروهی کادر بوجود آمد. در این حزب بطور کلی نظامیانی که دارای تمایلات میهن پرستانه بودند فعالیت میکردند. این نظامیان درمارس ۱۹۶۲ تحت رهبری ژنرال نه وین، اونو را از حکومت بر کنار کردند. برنامه ای دائر به ستمگیری بسوی سوسیالیسم را در برمه اعلام نمودند.

در اعلامیه سیاسی شورای انقلابی تحت عنوان «راه برمه بسوی سوسیالیسم»، لزوم ملی شدن مهمترین وسائل تولید در کشاورزی و صنعت، حمل و نقل، وسایل ارتباطات، بازرگانی خارجی و غیره را تصریح میکند. در این سند گفته میشود: «کلیه این وسایل باید به دولت، جمعیتهای تعاونی و یا اقتصادیات جمعی تعلق داشته باشد.» ضمناً در این سند تأکید شده است که مالکیت دولتی باید «اساس اقتصاد سوسیالیستی» را تشکیل دهد.

طی این سالها در برمه در گستره های اجتماعی و اقتصادی اصلاحات جدی انجام گرفته است. انحصار های خارجی، کلیه سرمایه های بزرگ و قسمتی از سرمایه های متوسط ملی شده است. یك شعبه دولتی تشکیل شده است که در حال حاضر ۸۰ در صد صنایع استخراجی و تقریباً نیمی از صنایع تولیدی و تمام بازرگانی خارجی و قسمت قابل ملاحظه ای از بازرگانی داخلی را کنترل مینماید. شورای انقلابی برای الغاء فشار فئودالها بردهقانان و علیه تجاوزات رباخواران به اقدامات قطعی دست زده است. شورای انقلابی از حقوق کشاورزان زحمتکش دفاع و بآنها کمك میکند تا سطح تولید کشاورزی را بالا ببرند. برمه در عرصه رشد فرهنگ، تعلیم و تربیت و بهداشت بکامیابیهای جدی نائل گردیده است.

دولت برمه در سیاست خارجی روش بیطرفی مثبت و همزیستی مسالمت آمیز بین کشورهای دارای ساختمان اجتماعی مختلف را درپیش گرفته است. روابط اقتصادی برمه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز بسط یافته است. بدیهی است که برمه در زمینه اجراء اصلاحات اجتماعی - اقتصادی و سیاست مستقل خارجی خود با دشواریهائی جدی مواجه میشود که دسایس ارتجاعی داخلی با تکیه بر پشتیبانی نیروهای امپریالیستی موجد آنست. در حالیکه نیروهای ارتجاعی مایل نیستند با از دست دادن موقعیت و امتیازاتشان سر سازگاری داشته باشند، جنبشهای ضد ملی و تجزیه طلبانه را در داخل کشور تشویق میکنند و این جنبشهای تجزیه طلبی را بنفع مقاصد خویش مورد استفاده قرار میدهند. رهبران سازمانهای تجزیه طلب در نواحی شان، چین و کارن و مهاجران ارتجاعی به سرپرستی اونو علیه دولت شورای انقلابی عمل میکنند. این مهاجران به تایلند پناه آورده اند و از حمایت پیمان «سئاتو» برخوردارند. چپ روها نیز که متعلق به حزبی تحت عنوان «حزب کمونیست پرچم سفید» هستند بمبارزه مسلحانه علیه دولت دست زده اند.

همه این گروهها در موقع خود پیشنهاد شورای انقلابی را مبنی بر استقرار صلح در داخل کشور و تأسیس سازمان واحد سیاسی رد کردند.

در شرایط کنونی زمامداران کشور روش جدیدی اتخاذ کرده «حزب برنامهٔ سوسیالیستی برمه» را از گروه محدود کادری به سازمان سیاسی توده ای تبدیل نموده اند. این سازمان در فعالیت خود بر کارگران، دهقانان، افسران مترقی ارتش و روشنفکران تکیه میکند.

روش شورای انقلابی در تبدیل «حزب برنامه سوسیالیستی برمه» به یك حزب وسیع توده‌ای مورد استقبال عمومی واقع شد. سیل درخواست ورود به «حزب برنامه سوسیالیستی برمه» از طرف کارگران، دهقانان، ارتشیها کارمندان و روشنفکران مترقی بالا گرفت. همچنین بسیاری از اعضاء احزاب سیاسی دیگر از آنجمله حزب کمونیست و حزب متحد کارگر، تقاضای ورود باین حزب را کرده‌اند.

در جریان کار تشکیلاتی حزب جدید به تربیت سیاسی افراد عادی و آمادگی ایدئولوژیك کادر های حزبی اهمیت بسیار قائل شده اند. در این امر آموزشگاه مرکزی علوم سیاسی که در مدت موجودیت هشت سالهٔ خود توانسته است چندین هزار کارکن حزبی آماده نماید نقش بزرگی را ایفا کرده است. این کارکنان حزبی استخوان بندی ارگانهای رهبری حزب برنامه سوسیالیستی برمه را در مرکز و نواحی تشکیل داده تعداد زیادی از شوراهای کارگری و دهقانی را رهبری کردند. حزب برنامه سوسیالیستی برمه همچنین اهمیت زیادی برای تربیت سیاسی نسل جوان قائل است. بنا بر تصمیم حزب سازمانی بنام «سازمان جوانان حزب برنامه سوسیالیستی برمه» تأسیس شده است. در این سازمان جوانان را با روح سوسیالیستی برای ساختمان آتی سوسیالیسم در برمه و دفاع از آن تربیت میکنند.

در جریان تدارك برای تشکیل نخستین کنگره حزب در کلیه سازمانهای حزبی محلی جلسات و کنفرانسهائی برگزار گردید. در این جلسات و کنفرانسها طرح اساسنامه جدید حزب مورد بحث قرار گرفته ارگانهای رهبری و نمایندگان کنگره انتخاب شدند.

طبق انتشار مطبوعات برمه برای شرکت در نخستین کنگره حزب برنامه سوسیالیستی برمه ۱۱۱۸ نفر بنمایندگی از طرف ۸۲ هزار اعضاء حزب، ۳۲۰ هزار نفر کاندید و بیش از یك میلیون نفر هواخواه انتخاب شده بودند.

متن گزارش کمیته تشکیلاتی مرکزی حزب برنامه سوسیالیستی برمه، طرح اساسنامه جدید حزب و مقررات اساسی برنامه رشد اقتصادی چهار ساله برای بررسی در اختیار

دنباله از صفحه ۱

اعلامیه حزب توده ایران

کمونیستی در سودان امری عادی است. در همهٔ شهرستانهای سودان صد ها نفر از اعضاء حزب کمونیست سودان و سازمانهای دمو-کراتیك کارگران، جوانان، دانشجویان و زنان که اعضاء آن تمام زندگی آگاهانهٔ خویش را وقف مبارزه دلیرانه علیه امپریالیسم و استعمار وبخاطر استقلال و سربلندی سودان کرده اند توقیف شده اند. از جمله رهبران برجسته بازداشت شدهٔ این سازمانها عبارتند از دبیر اول حزب کمونیست سودان رفیق عبدالخالق محجوب و دبیر کل اتحادیهٔ کارگری سودان، نایب رئیس فدراسیون سندیکائی جهانی و دارنده نشان صلح لنین شافعی احمد الشیخ. این رفقا بنا بحکم جابرانه دادگاه نظامی، بدون وجود کمترین دلیل و مجوز قانونی بدار آویخته شدند. اعدام رفیق عبدالخالق محجوب کمونیست و رجل برجسته اجتماعی سودان افکار عمومی جهان را جریحه دار کرد رفتار سربلند و شایسته رفیق محجوب در دادگاه قلابی نظامی و در برابر مرگ سیمای پرمهابت یك رزمنده با ایمان مارکسیست را بار دیگر در نظر جهانیان جلوه گر ساخت.

حزب کمونیست سودان مبارز پیگیر و سازش ناپذیر علیه سیادت استعمار در سودان و پیشاهنگ نهضت رهائی بخش این کشور بود و در فعالیت جبهه متحد خلق سودان شرکت فعال داشت و نقش مهمی در استقلال سودان و تبدیل این کشور یك جمهوری مستقل و سیر آن در جاده تکامل مترقی ایفاء کرده است. این حزب منظم ترین و نیرومندترین سازمان سیاسی اجتماعی در سودان است. حکومت نمیری که مدعی تعقیب یك سیاست ضد امپریالیستی و مشی اجتماعی مترقی است این سازمان مهم را که تکیه گاه معتبر و معتمد خلق است بخون میکشد. این امری است که تنها امپریالیسم و محافل ارتجاعی بدخواه سودان را در جهان و از آنجمله در کشور های عربی و در افریقا شادمان میسازد و برعکس دوستان خلق سودان را در سراسر جهان در اندوه و تأسفی عمیق فرو میبرد.

ما باین جنایات عنان گسسته بسختی اعتراض و آنرا با احساس اشمئزاز تقبیح میکنیم و احساس عمیق همبستگی خویش را به حزب قهرمان کمونیست سودان اعلام میداریم.

سرنوشت دشواری در نبرد برای ایجاد جهان نو و پیروز کردن حقیقت و عدالت بسود توده های زحمتکش نصیب کمونیستها است. دشمنان غدار و خونخواری از میان طبقات و قشر هائی که باین نحو یا بدان نحو با پیروزی ایده آلهای عادلانه سوسیالیستی مخالفند علیه کمونیستها برمیخیزند، بکامیابی های موقت دست مییابند، ولی این برگهای تاریك و غم انگیز در تاریخ معاصر بدون شك برگهائی است گذرنده. ذره ای تردید نیست که آیندهٔ تاریخ بنام آن اندیشه های رهاگر و انسانی بزرگ نوشته میشود که کمونیستها بیش از قرنی است در راه تأمین پیروزی آنها جانفشانی میکنند و این آینده علیرغم همه دسائس و جنایات امپریالیستی و طبقات وقشر های ارتجاعی و محافظه کار، فرا خواهد رسید.

حزب توده ایران که برای خلق سودان و حزب کمونیست سودان احترام و علاقه عمیق احساس میکند منتظر است که هیئت حاکمه این کشور به تمام عواقب شوم روش کنونی خود پی ببرد و بخونریزی خاتمه دهد و شرایط وحدت عمل نیرو های ضد استعماری و مترقی را فراهم آورد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۶ مرداد ۱۳۵۰

دنباله از صفحه ۱

تلگراف کمیته مرکزی حزب توده ایران

کل اتحادیه کارگران سودان، نائب رئیس فدراسیون سندیکائی جهانی و دارنده جایزه بین المالی صلح لنین، برخلاف تمام موازین عدالت و قانون در دادگاههای صحرائی محکوم و اعدام شده اند.

این افراد، از رهبران جنبش آزادی بخش ملی سودان و از پیشاهنگان مبارزه در راه استقلال ملی و ترقی کشور شما بوده‌اند. اعدام این افراد فقط میتواند محافل امپریالیستی و صهیونیستی را شادمان سازد. اقدامات دولت شما علیه این افراد، لطمه بزرگی است به استقلال و حاکمیت ملی کشور سودان. مراتب تنفر و انزجار شدید خود را در قبال این اقدامات تروریستی ابراز میداریم و آن را قویاً محکوم میکنیم. ما از شما میطلبیم که به کشتار و به اعمال فشار و ترور پایان دهید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۶ مرداد ۱۳۵۰

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند

بار سنگین این هزینه‌ها بردوش مردم است

(فهرستی از هزینه های تدارك جشن ۲۵۰۰ سالگی)

علیرغم مخالفت عمومی تدارك جشن بسیار پر خرج و افسانه‌ای درباری بنام ۲۵۰۰ سالگی سلطنت در ایران بسرعت جریان دارد. دستگاه تبلیغاتی دولت با براه انداختن جنجال پیرامون اقداماتی از نوع تأسیس مدارس ۲۵۰۰ سالگی که هزینه آن بزور از مردم گرفته میشود میکوشند بمردم ساده چنین تلقین کنند که گویا این جشنها در چار چوب منافع عمومی تدارك میشود و هزینه زیادی ندارد و هرچه هم خرج شود گویا در راه اقدامات عمرانی و اقتصادی است. اما در واقع امر بمناسبت جشن که بغلط جشن ۲۵۰۰ سالگی سلطنت در ایران نامیده‌اند اقداماتی انجام میگیرد و پولهائی صرف میشود که برای کشوریکه هزار درد اقتصادی و اجتماعی دارد که باید درمان کند کمرشکن است. برنامهٔ پر هزینه افسانه ایکه برای این جشن درباری در نظر گرفته شده از دوری گردانندگان آن از مردم و از بی غمی آنها نسبت به نیاز مندیهای کشور و در عین حال از عقب افتادگی فکری آنها که بزرگی خود را در این کار های بی محتوی کوچك میبینند حکایت میکند. ما برخی از اقدامات پر هزینهٔ تدارکی جشن اشاره میکنیم اینها تنها قسمت کوچکی از برنامهٔ بزرگ جشن است.

آقای جانسن رئیس شرکت آمریکائی بنام مؤسسه بین المللی تزئینات که طرح ساختمان کوی تخت جمشید بعهده وی واگذار شده دربارهٔ کاریکه باید انجام دهد چنین میگوید: «طرحی که برای ایجاد کوی پذیرائی از مدعوین تهیه شده دست کمی از ساختمان تخت جمشید که در زمان داریوش اول بنا شده ندارد. در محل تخت جمشید شهری از مجلل ترین و گرانبهاترین چادر های ابریشمی آبی و سرخ ایجاد میکنیم که در آن سران کشور هائیکه بایران میآیند پذیرائی میشوند. چادر زیبائی برای پذیرائی ۵۰۰ میهمان بر پا میشود و رؤسای کشور ها بر روی میزی بطول ۲۰۰ فوت در زیر نور شمعدانهای کریستال پذیرائی خواهند شد. آقای جانسن رئیس شرکت امریکائی بنام مؤسسهٔ بین المللی دکوراسیون اضافه میکند که در این شهر سلطنتی علاوه بر چادر های اختصاصی سران کشورها یك چادر عمومی پذیرائی که مبلهای قدیمی به سبك لوئی پانزدهم آنرا زینت میدهد و ۵۰ چادر ابریشمی آبی وسفید برای خدمات بر پا خواهد شد. در این چادر های زیبای آبی و سفید تمام وسایل از قبیل دست شوئی حمام مرمر اطاق خواب و تلفن و دستگاه مخابراتی و ارتباطی تله استار کار گذاشته شده است. در این کوی افسانه‌ای سکوی ویژه‌ای برای شاه ساخته میشود که در آن یك سالن پذیرائی بزرگ از مخمل ارغوانی برپا خواهد شد. در گوشه‌ای از این شهر افسانه‌ای چادر عظیم و پر شکوهی برای پذیرائی عمومی در نظر گرفته شده که در آن رستوران، بار، کازینوی قمار و انواع محلها برای تفریحات دیگر ساخته میشود تا میهمانهائیکه از پذیرائی و مراسم رسمی خسته میشوند درآنجا راهی بعالم دیگر پیدا کنند. مبلها، ظروف جا لباسیهای مذهب که برای این شهر افسانه‌ای لازم است بفرانسه سفارش داده شده و قرار است بوسیلهٔ یکصد هوا پیمای اختصاصی بار بری وارد ایران شود. مؤسسات فرانسوی در تدارك جشن ۲۵۰۰ سالگی سلطنت سفارشهای پر درآمد دیگری نیز دریافت کرده‌اند مثلا مؤسسه ماکسیم فرانسوی غذای این جشنها را تهیه خواهد کرد و این مؤسسه هم اکنون مشغول تنظیم صورت غذاهاست. رئیس شرکت حاضر نشد اطلاعاتی پیرامون این صورت غذا ها بدهد. بویژه غذای در ضیافت رسمی که افسانه قرنست محرمانه است. مؤسسه فرانسوی ماکسیم چهل آشپز باشی را مأمور تهیه غذا برای میهمانها خواهد کرد و تمام غذا های میهمان ها با هواپیما از فرانسه وارد خواهد شد. یکی از خبرنگاران که اطلاعاتی از مؤسسه ماکسیم کسب کرده میگوید که جوجه سرخ کرده در ظروف طلا عرضه خواهد شد. بزرگترین کارخانه شامپانی سازی فرانسوی نیز سفارشی برای تهیهٔ ۵۰۰۰ بطری شامپانی اختصاصی دریافت کرده است.

بدون تردید شرکتهای انگلیسی نمی توانستند از سفارشات بزرگ جشن ۲۵۰۰ سالگی سلطنت بی نصیب بمانند یك شرکت انگلیسی یك قلم سفارش ٤۰۰ هزار لیره‌ای برای چراغانی دریافت کرده است. رئیس این مؤسسه انگلیسی آقای ایروین مارتین گفته است که سفارشی که از دربار ایران گرفته بزرگترین سفارش در تاریخ مؤسسه است.

در طرحی که این شرکت داده صد هزار لامپ بکار میرود و نام شاهان با نوار های نورانی در ۲۱۲ ردیف بنمایش در میآید و نمونه هائی از تخت طاوس نورانی در خیابانهای تهران بر پا میگردد. این شرکت انگلیسی در عین حال سفارشی برای تجدید بنای یك قصر قدیمی دریافت کرده که باز هم در نوع خود مهمترین سفارش در تاریخ مؤسسه است.

چندی پیش تایمز لندن در شماره ۲۷ نوامبر خود نوشت «یك مؤسسه چاپ کتاب در انگلستان با ایران یك معامله ٤۰۰ هزار دلاری معادل سه میلیون تومان انجام داده است. شرکت چاپ کتاب میشل بیزلی یك کتاب پرزرق و برق دربارهٔ جشنهای ۲۵۰۰ سالگی سلطنت در ایران انتشار خواهد داد. تایمز لندن چنین معامله ایرا در تاریخ انتشارات یك کشور بی سابقه خوانده بود. در آن موقع همین روزنامه اطلاع داد «به ۱۹ مؤسسه اروپائی و امریکائی» نیز پیشنهاد های مشابه‌ای داده شده است و ۱۱ مؤسسه نمایندگان خود را برای انعقاد قرارداد های چاپ کتاب بایران فرستاده‌اند. نمایندهٔ دولت ایران که قرار داد سه میلیون تومانی را با مؤسسهٔ میشل بیزلی امضاء کرد گفته بود تازه این کتاب گرانترین کتابی که چاپ خواهد شد نیست. اکنون نیز روزنامه های ایران مینویسند بیش از ۵۰ کتاب مجلل که هر کدام از آنها در نوع خود بی نظیر خواهد بود در کشور های انگلستان، امریکا، آلمان فرانسه و سوئد و سوئیس به ۱۲ زبان مختلف چاپ خواهد شد. فکر میکنید مخارج چاپ این کتابها که بقول نمایندهٔ دولت ایران ارزانترین قیمت آنها سه میلیون تومانست چقدر خواهد شد.

کسانیکه برای ساختن چند اطاق گلی بنام مدرسه در روستا های ایران در مانده‌اند و از دانش آموزان وام تحصیلی طلب میکنند دسترنج مردم را این چنین بی شرمانه بتاراج میدهند. روزنامه آیندگان نوشته است.

کمیته جشنهای ۲۵۰۰ سالگی تصمیم گرفته است نتایج بحثهای کنفرانسی را که در دانشگاه پهلوی شیراز تشکیل خواهد شد در یك کتاب جامع و مجلل انتشار دهد.

کمیته همچنین برای انتشار یك سلسله کتاب های دیگر اقدام خواهد کرد. از آثار باستانی عکسبرداری شده است و در آلبوم های مجلل انتشار خواهد یافت خرج انتشار این کتابها و البومها میلیارد ها ریال است.

روزنامه های ایران مینویسند: برای برگزاری مجلل جشنهای ۲۵۰۰ سالگی که از ۲ تا ۲۸ مهر ماه بر گزار خواهد شد کمیته هائی برای چراغانی تشکیل شده است، کار آذین بندی و چراغانی شهرهای تهران، اصفهان و شیراز به متخصصین خارجی واگذار گردیده است. برای تزئین و چراغانی این شهر ها از دانمارك، برزیل و آرژانتین کارشناس دعوت کرده‌اند. تا مهر ماه ۱۳۵۰ در شیراز دو هتل بسیار مجلل با ظرفیت های ۱۵۰ و ۱۲۰ نفر برای مهمانان ویژه دربار خواهند ساخت. برای ساختمان این دو هتل ٦۵ میلیون تومان اعتبار تعیین کرده‌اند. روزنامه آیندگان نوشته است. ساختمان اتو بان شیراز، تخت جمشید نیز ۲۰ میلیون تومان خرج بر خواهد داشت. در تخت جمشید سکوئی برای فرود آمدن هلیکوپتر بمبلغ دو میلیون تومان ساخته خواهد شد. در همین محل دهکده ویژه‌ای برای میهمانان دربار در دست ساختمان است. علاوه بر این دهکده های دیگری نیز بسبك ۲۵۰۰ سال قبل در جوار آرامگاه کورش کبیر در پازار گاد و چند دهکده در حوالی بیستون و طاق بستان ساخته میشود. فقط مخارج ایجاد کاخهای مجاور تخت جمشید ٤۰ میلیون تومان بر آورد شده است. در تهران در تقاطع جاده مهر آباد و آیزنهاور بنای میدان بزرگی بنام «شهداد آریا مهر» در دست ساختمان است. ایجاد این میدان نیز برای هموطنان ما ۱۰ میلیون تومان خرج بر خواهد داشت. اداره روابط عمومی ارتش اطلاع داده است که برنامه رژه تاریخی جشن های ۲۵۰۰ سالگی را آماده کرده است.

در این روز هزاران نفر از افسران ارتش بالباس وسازوبرگ سلسله‌های شاهنشاهی ایران رژه خواهند رفت. این رژه نیز که میلیاردها ریال خرج آن خواهد شد زیرنظر متخصصین فرانسوی انجام میگیرد.

کمیتهٔ جشنهای ۲۵۰۰ سالگی پیامی بنام مردم ایران سرهم بندی کرده و آنرا روی لوحه ای زرین حك کرده است. این باصطلاح پیام مردم ایران پیام کسانیکه بنا بنوشتهٔ روزنامهٔ آیندگان هنوز ۸۵ در شان زیر استاندار بین المللی زندگی میکنند قرار است بوسیله چاپار های مخصوص در روز جشن تا تخت جمشید حمل شود و تقدیم شاه گردد.

همین کمیته از بودجهٔ هنگفتی که در اختیار آن قرار داده‌اند نمونه ای از «استوانه گل پخته» که فرمان کورش بر آن منقوش است تهیه کرده است که همراه با سکه های طلا میان میهمانان پخش خواهند کرد. روی این سکه ها تصویر سربازان هخامنشی حك شده است. برای تهیه نور و صدا نیز دهها متخصص خارجی را بایران دعوت کرده‌اند. این قطره‌ای از آن دریای پولی است که برای توجیه سلطنت درایران خرج میکنند. از طرف دیگر وزارت کشور شهرداریها، فرمانداریها، انجمنهای ده و شهر هر کدام بمردم فشار میآورند تا در تدارك جشن های ۲۵۰۰ سالگی شرکت کنند مردم را بهزار و یك شکل میچاپند، آنها را وادار میکنند مخارج بر پا کردن طاق نصرتها را بپذیرند. آنها را مجبور میکنند برای چراغانی پول بپردازند.

در جشنهای تاجگذاری که در آبانماه ۱۳٤٦ انجام گرفت دولت ایران بنوشته روزنامه واشنگتن پست بیش از ۱۵ میلیون دلار معادل ۱۲۰ میلیون تومان خرج کرد. در آنوقت نیز روزنامه های ایران ارقام حیرت انگیزی دربارهٔ دستمزد های گزافی که به متخصصین داخلی و خارجی پرداخت شده بود انتشار دادند تا جائیکه علم وزیر دربار مجبور شد بگوید: «اگر خرجی هم شده برای تجلیل از مقام سلطنت بوده است.»

در آنوقت شهردار تهران کتابی انتشار داد که مخارج چاپ آن بالغ بر ۷۰۰ هزار تومان شده مدتها نسخه هائی از این کتاب بعنوان هدیه تاجگذاری به میهمانان خارجی داده میشد. اینك رژیم ایران برای آرایش سیمای کریه خود مخارج عظیمتری تعیین کرده است. ما میپرسیم این پول مال کیست و به حساب چه کسانی خرج میشود؟ ما میپرسیم در کشوریکه مسئلهٔ نان در آن هنوز حل نشده است آیا این ولخرجیهای بی حساب توجیه پذیرست. آیا میتوان این صحنه سازیهای مضحك را بحساب مردم گذاشت. آیا میتوان تاریخ پر فخر گذشتهٔ میهن مارادر تاریخ سلطنت تلخیص کرد؟

پ. ا.

جنبش مقاومت فلسطین و توطئه حکومت اردن

از سپتامبر ۱۹۷۰ یعنی از زمانی که ارتجاع اردن بکشتار وسیع چندین هزار نفری فدائیان فلسطین دست زد و بالاخره در اثر فشار نیرو های مترقی و افکار عمومی جهان عرب و نیز فشار بعضی دول عرب ، بامضای قرارداد قاهره و سپس قرار داد عمان مجبور گردید ، تا هم اکنون ، دولت اردن هیچ گاه از توطئه علیه فدائیان و سرکوب آنها باز نایستاده است . نیرو های مترقی عرب در همان هنگام امضای این قرار دادها اعلام کردند که تا زمانی که در اردن یك دولت ملی بر سر کار نیاید و سازمانهای دولتی را ازعمال امپریالیسم امریکا پاك نسازد نمیتوان باین قرار داد ها دل خوش کرد .

موافق قرار داد عمان منعقده در ۱۳ اکتبر ۱۹۷۰ دولت اردن «حفظ احترام نیرو های مقاومت فلسطین و آزادی فعالیت سیاسی و تبلیغاتی و نظامی این نیرو ها » را تعهد کرده بود . دولت اردن همچنین تعهد کرده بود که « هیچ دستگاه ، هیچ سازمان و هیچ فردی در اردن ، علیه مصالح انقلاب فلسطین بر نخیزد »

روزنامهٔ « فتح » ارگان کمیته مرکزی نیرو های مقاومت ، متن این قرار داد را (باستثنای مواد مربوط به عملیات نظامی) در شمارهٔ ۱۵ اکتبر خود چاپ نمود . ولی دولت اردن که خود از انتشار این قرار داد خود داری کرده بود از انتشار این شمارهٔ فتح نیز جلو گیری نمود و با حمله به چاپخانه این روزنامه ، نسخه های آنرا از میان برد.

در ۲۳ اکتبر ، ملك حسین تشکیل یك دکانه « غیر نظامی » را به وصفی تل ، جاسوس سابق اینتلیجنس سرویس محول ساخت . نیرو های مترقی و همچنین بعضی دول عربی خشنودی خود را از نخست وزیری وی اعلام داشتند . ملك حسین بهمراهی وصفی تل طرح تازه‌ای برای سرکوب مجدد فدائیان فلسطین تدارك دید اجرای این طرح در ماه دسامبر ، بهنگامیکه ملك حسین در واشنگتن با نیکسون و سایر مقامات آمریکائی مشغول مذاکره بود آغاز شد ، دو اردوگاه آوارگان فلسطین ، و چند پایگاه فدائیان در شمال اردن هدف حمله ارتش این کشور قرار گرفت . این بار نیز با دخالت کمیته‌ای که بر اساس قرار داد قاهره و برای نظارت بر اجرای توافق میان دولت اردن و فدائیان تشکیل شده بود ، سرکوب فدائیان متوقف گردید ، ولی پایگاه های فدائیان همچنان در محاصره ارتش اردن باقی ماند و گاه بگاه زدوخورد هائی میان ایشان رخ میداد .

طی این مدت ، از جمله ویلیام راجرز طی گزارش خود به کنگره ایالات متحده خشنودی دولت امریکا را از ارتجاع اردن بخاطر آنکه بگفته وی « با تعرض چریك ها به مقابله برخاسته و آنرا سرکوب ساخته است » اعلام داشت . همچنین مقامات آمریکائی اعلام داشتند که ایالات متحده قصد دارد کمکهای نظامی خود را باردن « بخاطر تقویت نیروی نظامی اردن و کمك به ملك حسین در برابر فشار چریك ها » افزایش دهد . از سوی دیگر مقامات اسرائیل و نیز روزنامه های این کشور ، پشتیبانی خود را از ملك حسین در برابر فدائیان اعلام کردند و نیز تهدید نمودند که هرگاه « تخت سلطنت با خطری مواجه شود » به مداخله بر خواهند خاست .

زمامداران اردن در تمام این مدت ، سرکوب فدائیان فلسطین را با حملات تبلیغاتی شدیدی علیه نیرو های مترقی توأم ساختند . آنها همیشه تبلیغ میکردند که « در صفوف نیرو های مقاومت ، جائی برای ایدئولوگها نیست » آنها در واقع می خواستند جنبش خلق فلسطین را از جنبش های رهائی بخش جهان عرب و همه جهان جدا سازند .

در ماه مارس بار دیگر توطئه علیه نیرو های مقاومت وسعت و شدت یافت و دامنهٔ آن بماه ژوئیه نیز کشید . در تمام این مدت از طرف محافل مترقی و بعضی دولت های عرب ، مرتباً بدولت اردن اعتراض میشد ولی هیچ یك از این تذکرات و اعتراضات سودی نمی‌بخشید . در ماه مه ، کمیته مرکزی سازمان رهائی بخش فلسطین ، طی یادداشتی که برای رؤسای نمایندگی های کشور های عربی در عمان فرستاد ، از جمله گوشزد کرد که دولت اردن ، باقدامات و اظهاراتی پرداخته است که مفهوم آن اینست که دوران قرار داد های قاهره و عمان ، سپری شده است . در این یادداشت همچنین از دولت های عرب در خواست شد که دولت اردن را به احترام خواسته های نیرو های مقاومت وادار سازند .

در ماه ژوئیه وصفی تل نخست وزیر اردن طی یك مصاحبه مطبوعاتی رسماً اعلام داشت که «دولت اردن دیگر قرارداد قاهره را برسمیت نمی شناسد . زیرا شرایطی که این قرارداد طی آن امضاء شده است ، دیگر وجود ندارد » و بدینسان صحت استنتاج کمیته مرکزی سازمان رهائی بخش فلسطین را تأیید کرد . در همین ایام حمله وسیع به پایگاه فدائیان سازمان داده شد که به بازداشت هزاران نفر از فدائیان و فرار گروهی از ایشان بنقاط تحت تصرف اسرائیل ، منجر گردید . اظهارات نخست وزیر اردن و اقدامات ارتش این کشور علیه فدائیان در محافل مترقی عرب باخشم و نفرت تلقی شد و اعتراض برخی از دولت های عربی را موجب گردید آنگاه مقامات اردن و نیز شخص ملك حسین که خود را در حالت انزوای بسابقه‌ای مشاهده میکردند اعلام داشتند که دولت اردن به دو پایهٔ اصلی قرار داد قاهره یعنی آزادی فعالیت فدائیان و حق حاکمیت اردن همچنان پای بند است . ولی این سخنان با اقدامات ضد فدائی دولت اردن و ادامهٔ باز داشت هزاران فدائی در تناقض آشکار بود. کوشش های مقامات کشور های مصر و سوریه نیز برای جلو گیری از اقدامات دولت اردن علیه فدائیان به هیچگونه نتیجه‌ای نرسید و بالاخره کار بدینجا کشید که انورالسادات رئیس جمهوری متحده عرب در ۲۳ ژوئیه طی نطق خود در کنگره اتحادیهٔ سوسیالیست عرب ملاحظات سیاسی را که تا آن زمان او را به خویشتن داری وا میداشت تا حدود زیادی بکنار نهاد و شدت به ملك حسین و وصفی تل حمله کرد ، ولی باز همچنانکه خود اعتراف نمود نخواست « توصیفی را که شایسته ملك حسین است » بکار برد .

بدینسان و در ارتباط با سرکوب وحشیانهٔ فدائیان توسط رژیم اردن روابط قاهره و عمان به تیرگی گرائید و از سوی دیگر دولت سوریه نیز که تا حدودی از جنبش مقاومت فلسطین پشتیبانی میکند پس از شکست مذاکرات هیئات اعزامی سوریه با مقامات اردنی درباره رفع اختلافات میان دولت اردن و فدائیان و پس از تجاوزات نظامی اردن در مرز های سوریه ، مرز های خود را بروی اردن بست و روابط سیاسی خود را با این دولت قطع نمود و بدین ترتیب دولت اردن بیش از پیش دچار انزوا در جهان عرب شد .

❀ ❀ ❀

محافل مترقی عرب و بخصوص احزاب کمونیست کشور های عربی ، از دیر باز و بخصوص پس از کشتار وسیع فدائیان در سپتامبر گذشته ، اعلام کرده‌اند که ارتجاع اردن از وجود اختلاف و چند دستگی میان نیرو های جنبش مقاومت فلسطین استفاده میکند . جناحهائی از این جنبش هنوز درراه سازش با مرتجعین عرب و جلب نظر امپریالیسم آمریکا گام بر میدارند و در مقابل جناحهای دیگری براه ماجرا جوئی افتاده‌اند و از این اختلاف ناحق فقط ارتجاع اردن سود میبرد. نیرو های مترقی عرب همیشه اعلام کرده‌اند که جنبش مقاومت باید از تجربیات گذشته پند بگیرد و صفوف خود را در مقابل ارتجاع متحد سازد. ولی طی درگیریهای متعدد میان نیرو های مقاومت فلسطین و ارتش اردن ، عمل نشان داده شده است که بعضی از نیرو های مقاومت از تجارب گذشته درسی نگرفته اند اجتماعات و مذاکرات پی در پی نمایندگان نیرو های مقاومت نیز عملا کمکی بحل این مسئله نکرده است .

خوشبختانه اکنون میتوان امیدوار بود که زندگی راه صحیح را به نیرو های مقاومت نشان داده باشد . گروههای چپ رو جنبش مقاومت که ازایده‌های چینی پیروی میکردند و وقتی دولت چین توده‌ای درباره طرح راجرز هیاهوی مخالف راه میانداخت ، بوی تهنیت میگفتند ، اینك که چین توده‌ای خود برای بر قراری مناسبات سیاسی با اسرائیل بتماس های سری با دیپلمات‌های این کشور میپردازد باید دریافته باشند که دولت چین هرگز تکیه گاه مطمئنی برای جنبش مقاومت فلسطین نبوده است . در مورد مناسبات چین و اسرائیل شایان ذکر است که منابع اسرائیلی وقوع چنین تماس هائی را تأیید کرده‌اند و چین این اخبار را تکذیب کرده است . همچنین رادیوی اسرائیل اخیراً اعلام کرده است که چین روش خود را نسبت به چریك ها تغییر داده و از ادامه کمك باین جنبش خودداری نموده‌است » وباز مطابق گزارش منابع اسرائیلی یکی از سفیران چین توده‌ای طی گفتگوئی با یك دیپلمات اسرائیلی اعلام کرده است که « امید چین توده‌ای از فدائیان فلسطین مبدل بیأس شده و در آینده دیگر از ایشان پشتیبانی نخواهد کرد »

اگر در هر مورد باید آنقدر انتظار کشید که زندگی راه و چاه را از یکدیگر بنمایاند ، اینك زندگی راه و چاه را نشان داده و ثابت کرده است که چپ روی و ماجرا جوئی و تکیه بر جمله پردازیهای «انقلابی» هیچگونه موفقیتی را نوید نمیدهد . وظیفهٔ مبرم نیرو های مقاومت متحد ساختن صفوف خود و اتخاذ روش قاطع و یکپارچه در برابر ارتجاع اردن با تکیه بر یگانه تکیه گاه مطمئن یعنی جبهه نیرو های مترقی ، صلح و سوسیالیسم است .

آخرین اخبار و نیز اظهارات ملك حسین در بیت‌المقدس پرده از چهره حکومت ارتجاعی اردن برمیگیرد و نشان میدهد که توطئه ملك حسین برای نابودی جنبش مقاومت فلسطین در خاك اردن با همکاری (سیا) و اسرائیل و تحت نظارت امپریالیسم امریکا ترتیب داده شده‌است.

هدف این توطئه تنها در هم شکستن جنبش فلسطین نیست بلکه فراهم کردن زمینه برای صلح جداگانه بین اردن و اسرائیل ، تضعیف جبهه مترقی کشور های عربی در مقابل اسرائیل و سر انجام ضربتی از درون به جنبش ضد استعماری تمام کشور های عربی در خاور میانه است . اینك ملك حسین با کمال صراحت آمادگی خود را برای مذاکره با اسرائیل در مورد بیت‌المقدس اعلام داشته و این اظهارات پس از ورود ریشاردهلمس رئیس « سیا » به اسرائیل و عمان و پس از تحویل هواپیما های جنگی در امریکا باردن انجام گرفته است. ما همیشه از جنبش ضد استعماری خلق های عرب و مردم فلسطین علیه صهیونیسم و امپریالیسم پشتیبانی کرده و خواهیم کرد و اتحاد تمام نیرو های مترقی و ضد امپریالیستی را شرط پیروزی بر امپریالیسم و عوامل او در منطقه خاور میانه میدانیم .

م . ع

شماره حساب بانکی پیك ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر است :

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

دنباله ازصفحه ۱

نظری به گزارش بانك مرکزی

صنعت نفت تا آنجا که مربوط بفعالیت کنسرسیوم وسایر انحصارات امپریالیستی است در واقع چیزیست جدا از اقتصاد ایران. افزایش تولید و صدور نفت بهیچوجه نشانهٔ رشد اقتصادی کشور نیست و افزایش درآمد نفت از تحول سالم اقتصاد حکایت نمیکند.

آنچه واقعیت اقتصاد را نشان میدهد اینستکه ما بطور روز افزونی بدرآمد نفت وابسته میشویم و هر سال مقدار بیشتری از درآمد نفت را صرف وارد کردن نخود و لوبیا میکنیم زیرا رشد اقتصاد واقعی ایران حتی باندازه رشد جمعیت نیست. در گزارش بانك مرکزی باین نکته اشاره شده و یادآوری شده است که در سال گذشته واردات کالا های مصرفی بسراتب افزایش یافت و بویژه بر واردات مواد غذائی افزوده شد.

شاید کسانی گمان کنند که افزایش واردات کالا های مصرفی و از جمله مواد غذائی نتیجه افزایش سریع مصرف بوده ناشی از بهبود زندگی مردم است اما گزارش بانك مرکزی در اینمورد تردیدی باقی نمی گذارد. در این گزارش قید شده است که هزینه های مصرفی بخش خصوصی ۲ در صد کمتر از سال قبل افزایش یافت و در نتیجه رشد هزینه های مصرفی سرانه از سطح کل کشور از ۱ر۷ درصد در سال ۱۳۴۸ به ۶ر۰ در صد در سال ۱۳۴۹ تنزل نمود.

اگر توجه کنیم که در سال ۱۳۴۹ قیمتها نسبت بسال ۴۸ باسرعت بیشتری افزایش یافته روشن خواهد شد که در سال ۴۹ مردم و بویژه توده زحمتکش شهر و ده بیش از سالهای قبل گرسنگی کشیده اند و افزایش واردات کالاهای مصرفی و از جمله وبخصوص افزایش واردات کالا های کشاورزی نتیجه افزایش مصرف نیست بلکه در اثر کمبود تولید داخلی است. در سال ۱۳۴۹ نه تنها واردات کالا های کشاورزی بلکه واردات کالا های مصرفی صنعتی نیز افزایش قابل ملاحظه ای داشته و این امر نیز ناشی از عقب ماندن رشد صنایع نسبت به نیازمندیها است.

چنانکه گفتیم صنایع و معادن فقط ۸ر۱ درصد از رشد تولید ناخالص ملی را تأمین کرده است و وقتی این رقم را میشکافیم حساب معادن را جدا میکنیم حساب برخی صنایع مثلا پتروشیمی را که در سال گذشته تازه براه افتاده و رقم روشنی تشکیل داده کنار میگذاریم معلوم میشود که صنایع تبدیلی کشور در سال گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای نداشته، حتی مجله تهران اکونومیست مدافع سرمایه داران بزرگ ومبلغ انقلاب سفید در تشریح گزارش بانك مرکزی مجبور شد بنویسد که در فاصله چند سال گذشته سهم معادن و صنایع در رشد اقتصادی کشور نه تنها افزایش نیافته بلکه کاهش مختصری نیز پیدا کرده است... آنچه در درجه اول بچشم میخورد اینستکه صنایع و معادن ما ازسلامت کامل برخوردار نیست.

تهران اکونومیست در جای دیگر توضیح میدهد که بسیاری از صنایع هنوز از مرحله موتتاژ بمرحله ساخت نرسیده و این بدان معناست که قسمتی از آنچه رشدصنایع میگویند در واقع رشد واردات کالا های مصرفی است که بصورت اجزاء منفصله وارد کشور میشود.

یك نظر بالنسبه دقیق به گزارش بانك مرکزی نشان میدهد که اقتصاد کشور ما با دشواریهای بزرگی روبروست. این اقتصاد برپایه استواری بنا نشده و هرلحظه درمعرض خطر قرار دارد. این خطر بیش از همه و قبل از همه از وابستگی اقتصاد ایران به اقتصاد کشور های امپریالیستی و انحصارات نفتی ناشی میشود در سیاست اقتصادی کشور باید بطور جدی و بنیادی تجدید نظر شود.

بطوریکه از نوشته های روزنامه های کشور برمیاید محافل اقتصادی انتظارداشتند که انتشار این گزارش زنگ خطری باشد که دولت را بواقعیت اوضاع متوجه ساخته باتخاذ تدابیری درجهت تأمین سلامت اقتصاد کشور وادارد اما مقامات دولتی و حتی نخست وزیر از گزارش بانك مرکزی نتیجه ای کاملا برعکس انتظار گرفته و با استناد باین گزارش بطور مداوم از پیشرفتهای چشمگیری که گویا در سال گذشته نصیب اقتصاد کشور شده، سخن میگویند. چنین برخورد بدون مسئولیت بمسائل مهم کشور خطرناك است.

اگر مقامات مسئول دولتی نخواهند که حتی از گزارش رسمی بانك مرکزی نتایج لازم را بگیرند و اگر نخواهند زنگ خطری را که در همین گزارش نواخته شده بشنوند محافل اقتصادی کشور چگونه میتوانند نسبت بآینده بشدت نگران نباشند. در گزارش بانك مرکزی از آثار نا مطلوبیکه تحولات اقتصادی کشور های بزرگ سرمایه داری در اقتصاد ایران گذاشته از کاهش قدرت خرید منابع ارزی کشور از فشارهای تورمی شدید وارده بر منابع مالی از افزایش قیمتهای عمده فروشی کالاهای وارداتی وتقلیل مداوم کالا های صادراتی از عقب ماندگی شدید کشاورزی و توسعه بسیار کند و نا متعادل صنایع و معادن و افزایش مداوم و خطرناك وزن مخصوص درآمد نفت در درآمد های عمومی کشور سخن میرود و هر یك از اینها به تنهائی کافیست که ایجاد نگرانی کند. اما مقامات رسمی دولتی با گشاده دلی ناموجهی مدعیند که گویا گزارش بانك مرکزی امید بخش و حتی بهجت انگیز است.

سئوال میشود پس مرز میان تبلیغات بازاری و برخورد توأم با مسئولیت مقامات رسمی کجاست؟ اجازه بدهید مسئله را از نزدیك بررسی کنیم. بانك مرکزی گزارش خود را از آثار نامطلوبی که مناسبات نابرابر موجود میان ایران و کشور های بزرگ سرمایه داری در اقتصاد کشور باقی میگذارد آغاز میکند و با جملات نسبتاً صریحی خطر وابستگی اقتصاد ایران به کشورهای بزرگ سرمایه داری را متذکر میشود. در گزارش بانك مرکزی چنین میخوانیم: توسعه روابط اقتصادی بین کشور های جهان باعث شده است که تحولات اقتصادی هر گروه از کشور ها در وضع سایر کشورها بیش از پیش مؤثر گردد. بخصوص بعلت وابستگی شدید اقتصادی کشور های در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته تغییراتی که در اوضاع اقتصادی کشورهای بزرگ ایجاد میشود آثار مستقیمی بر فعالیت اقتصادی کشور های در حال توسعه باقی میگذارد. در اینجا در گزارش بانك مرکزی بیك نکته جالب اشاره میشود که محصول تجربه تلخ کشور هـای وابسته و از جمله و بخصوص تجربه تلخ کشور ماست. و آن اینکه بعلت وضع خاص روابط بازرگانی این دو گروه یعنی گروه کشورهای بزرگ سرمایه داری و گروه کشور های در حال توسعهٔ وابسته بآنها در بیشتر تحولات آنچه نصیب کشورهای در حال توسعه میشود آثار نامطلوب آنهاست.

در گزارش بانك مرکزی سپس توضیح داده میشود که در سالیکه گذشت کشورهای بزرگ سرمایه داری و یا آنطوری که در گزارش نوشته شده کشور های صنعتی عمده غرب دچار فشارهای تورمی شده بودند. قیمت کالاهای صادراتی آنها که همان کالاهـای وارداتی است بسیار افزایش یافت و این امر موجب کاهش قدرت خرید منابع ارزی ایران شد.

بانك مرکزی سپس اضافه میکند که این مشکل هنگامی تشدید گردید که در مقابل قیمت کالاهـای صادراتی ایران و از جمله نفت در سالهای اخیر نه تنها افزایش نیافت بلکه شاخص قیمت این کالاها که در سال ۱۳۳۵ حدود ۶ر۱۱۶ بود در سال ۱۳۴۹ تا حد ۱۰۶ کاهش یافت.

در گزارش بانك مرکزی پس از این مناسبات نابرابر چنین نتیجه گرفته میشود که «ادامه تحولات فوق از هر دو جهت باعث تضعیف تدریجی ذخائر خارجی کشورمیگردید وتوسعه اقتصادی آینده را مشکل میساخت». این قسمت از گزارش بانك مرکزی در عین حال که برخی از مشکلات مهم اقتصادی ما را در سالیکه گذشت منعکس میکند مطالبی را مطرح میسازد که مربوط بیکسال و دو سال نیست بلکه مربوط باساس و پایه سیاست اقتصادی دولت ایرانست. از گزارش بانك مرکزی خواه ناخواه این سئوال بیرون میآید که آیا نباید در سیاست وابستگی اقتصاد ایران باقتصاد کشور های بزرگ سرمایه داری که یکی از ارکان سیاست اقتصادی رژیم است تجدید نظر کرد؟

اینکه کشورهای بزرگ سرمایه‌داری میکوشند بحساب کشور های کوچك وابسته بخود مشکلات اقتصادی خود را رفع کنند و آثار نامطلوب بحرانهای اقتصادی را بدوش آنها بگذارند و از طریق بازرگانی نا برابر شیرهٔ اقتصاد این کشورها را بمکند واقعیتی است که تنها مربوط بیکسال نیست بلکه از اصول اساسی اقتصاد سرمایه داری و مرحلهٔ امپریالیستی آن ناشی میشود و بطور مداوم وجود داشته و پیشرفت کشور های وابسته را با مشکلات جدی روبرو میسازد. تا وقتی اقتصاد ایران وابسته باقتصاد جهان سرمایه داری و وابسته بانحصارات امپریالیستی باشد با این واقعیت تلخ روبرو بوده و پیشرفت آن دائماً توأم با دشواری خواهد بود.

چنین است یکی از نتایج مسلمی که از گزارش بانك مرکزی بدست میآید.

مرحلهٔ نوین

در زندگی خلق پرو

خوزه دوسان مارتین، یکی از برجسته ترین رهبران مبارزهٔ آزادیبخش ملی امریکای لاتین در ۲۸ ژوئیه سال ۱۸۲۱ استقلال پرو را درقبال تاج و تخت اسپانیا اعلام داشت.

پرو طی ۱۵۰ سال موجودیت خود حوادث بسیاری را از سر گذرانده است. در این سالها کودتا های درباری بیشمار انجام گرفت و قیامهای خود بخودی فراوان روی داد. در این قیامها سرخ پوستان امریکائی علیه خود کامگی زمینداران بزرگ و بخاطر تأمین حقوق، بدست آوردن زمین و احیاء حیثیت انسانی خویش مبارزه میکردند؛ کارفرمایان متفرعن انگلیسی بتدریج راه آهن و کشتی رانی و صنایع معدنی کشور را تصاحب نمودند و سوداگران سر سخت امریکائی منابع طبیعی کشور را پنهانی وعلنی غارت کردند، فساد و رشوه خوار خود سری توسعه یافت و استقلال کشور بی پروا در معرض خرید و فروش قرار گرفت و منافع ملی بدست فراموشی سپرده شد...

مردم پرو جشن سالگرد استقلال کشور خود را ۱۴۷ باردرشرایط تسلط اولیگارشی «سنتی» کروئول بر گزار کرده‌اند. حق حاکمیت ملی پرو سال بسال بنفع سرمایه خارجی و در درجه اول سرمایهٔ امریکائی تضعیف میشد. منافع سرمایه امریکائی چنان با منافع الیگارشی داخلی پیوند نزدیك پیدا کرده بود که در اعمال حاکمیت سیاسی نیز عملا با الیگارشی داخلی شریك شده بود. در عین حال وضع توده‌های وسیع زحمتکشان سال بسال بدتر و طاقت فرساتر میگردید.

پرو طی دو قرن و نیم تسلط استعماری اسپانیا و یك قرن و نیم دوران نظام جمهوری به «تهیدست تخت طلائی نشین» شهرت یافته بود. ولی چه در زندگی فرد فرد مردم و چه در زندگی همهٔ خلقها، لحظاتی پیش میآید که کلیه راه و روش زندگی و سر نوشت آنها بشدت دستخوش دگرگونی میشود. در روز سوم اکتبر سال ۱۹۶۸ که نیرو های نظامی زمام حکومت را بدست گرفتند در تاریخ پرو نیز چنین تحولی پدید آمد. این حکومت برای نخستین بار در تاریخ پرو راه احیاء حاکمیت و حیثیت ملی و استقلال و آزادی واقعی و رهائی از هر گونه مداخله خارجی در امورداخلی پرو را در پیش گرفت. از همین زمان پروسه بغرنج و دشوار رستاخیز ملی در پرو آغاز گردید.

دنباله در صفحه ۷

دنباله از صفحه ۱

حراج منابع نفتی ایران

متر مربع است که در تنگه هرمز قرار دارد. شرکت موبیل ۲ میلیون دلار پذیره نقدی و ۱۰ میلیون دلار پذیره مشروط پرداخت خواهد کرد و باید درمدت ٦ سال ۱۱میلیون دلار خرج اکتشاف بنماید.

دکتر اقبال مدیر عامل شرکت نفت ملی ایران درتوضیح «مزایای» قراردادهای جدید اطلاعات دیگری نیز بشرح زیر داده است:

۱) شرکتهای مزبور در ایران به ثبت میرسند و در مواقع اختلاف طبق قوانین ایران و حکم رئیس دیوان عالی کشور و یا رئیس بانك مرکزی ایران اختلاف موردحل و فصل قرار خواهد گرفت.

۲) تعهد شده است که در ظرف ۸ سال اجرای قرار داد ۹۸ درصد کارکنان ایرانی باشند و ۷۰ درصد از پستهای اجرائی بدست آنها سپرده شود.

۳) مدت قرار داد ۲۰ سال ازتاریخ شروع بهره برداری تجاری (۱۰۰ هزارمتر مکعب) است و دو دوره پنجساله تمدید نیز پیش بینی شده است که با شرایط روز قابل تمدید است.

٤) اگر درمدت ٦ سال دوره اکتشاف بهره برداری تجاری شروع نشود قرار داد خود بخود «کان لم یکن» خواهد بود و شرکت مختلط منحل خواهد شد و ایران ملزم به پرداخت هیچگونه هزینه‌ای نشده‌است.

٥) طرف دوم قرار داد باید مالیات خود را به نرخ قانون مالیات بردرآمد ایران رأساً پرداخت کند و اگر نرخ مالیات از ٥٥ درصد امروز بیشتر شد نرخ اضافی را نیز بپردازد.

٦) طرف دوم قرار داد موظف است احتیاجات داخلی نفت ایران را حد اکثر تا ۱۰ درصد تولید خود بقیمت تمام شده در اختیار شرکت ملی نفت بگذارد.

۷) طرف دوم موظف است سهم شرکت ملی نفت را اگر بازار نداشت صادر وبفروش برساند.

۸) در قرار دادهای جدید برای اولین بار «پرداخت مشخص» (بهره مالکانه) طی ماده ای گنجانده شده و طرف دوم موظف است تا ٥٠ میلیون بشکه ۱۲٫٥ در صد از ٥٠ تا ۷٥ میلیون بشکه ۱٤ در صد و از ۷٥ میلیون بشکه ببالا ۱٦ درصد تحت‌عنوان «پرداخت مشخص» بپردازد. پرداخت‌مشخص به شرکت ملی نفت پرداخت میشود و بحساب هزینه شرکت مختلط میرود.

۹) از کمپانیهای خارجی تعهد گرفته شده که هرگاه در پایان سه سال اول دورهٔ اکتشاف کلیه مبالغ تعهد شده برای اکتشاف خرج نشود در مورد یك شرکت صد در صد و در مورد دو شرکت دیگر نصف مازاد به شرکت ملی نفت پرداخت شود.

۱۰) اگرطرف دوم قرار داد درمورد گاز توأم با نفت ظرف ٦ ماه تمایل و برنامه خود را نسبت به سهم خود اعلام نکند تمام گاز متعلق به شرکت ملی نفت خواهد بود و حقی برای طرف دوم وجود نخواهد داشت.

۱۱) شرکت ملی نفت در قرار دادها حق اولویت حمل نفت را برای نفتکش های ایرانی گرفته است.

حراج نفت ملی شده ادامه دارد

بر اساس اطلاعات فوق - که محدود است - و همچنین بر سابقه قرارداد های‌نظیر و بالاخره سیاست نفتی دولت ایران، در نخستین ارزیابی در باره قرار داد های جدید نفتی نکات زیر را میتوان متذکر شد:

۱) مانند معمول متن کامل قرار دادها منتشر نشده و در معرض قضاوت افکار عمومی قرار نگرفته است. در نتیجه مردم ایران مجبورند از زبان سخنگویان رژیم فقط در باره «مزایای» این قرار داد ها که هر بار «بیسابقه» «شاهکار» و «پیروزی بزرگ» است مطالبی بشنوند، بدون آنکه خودامکان قضاوت عینی و مستقل داشته باشند. این «سربت» یکی از اجزاء انفکاك نا پذیر سیاست استعماری شرکتهای نفتی امپریالیستی است که با همکاری محافل حاکمه ایران انجام گرفته و میگیرد. خواست انتشار متن کامل قرار داد های نفتی یکی از مطالبات همیشگی مردم ایران بوده است.

۲) با اینکه دکتر اقبال کوشیده‌است «مزایای خاصی» برای قرار داد های جدید نسبت به قرار داد های گذشته بتراشد ولی با بیان اینکه «در قرار داد های جدید مزایای خاصی وجود دارد که در قرار داد های قبلی نبود و یا اگر هم وجود داشت بعد از انعقاد قرار داد کسب شده است»، در واقع‌اعتراف کرده است که - صرفنظر از جزئیات - شرایط اساسی این قرار داد ها مانند قرار داد های قبلی (بجز قرار داد کنسرسیوم) است.

۳) تردیدی نیست که بطور کلی‌قرار داد های جدید نفتی نسبت به قرار داد کنسر سیوم امتیازاتی دارد. بدست آوردن این امتیازات هم نتیجه تغییر اوضاع جهان وایران است که دیگر امکان و اجازه انعقاد قرار دادی نظیر کنسرسیوم را حتی بدولت ایران نمیدهد.

٤) ولی مهمتر از همه اینستکه درست در موقعیکه دولت ایران با سر و صدای فراوان در باره حق حاکمیت ملت ایران بر منابع نفت خود سخن میگوید و مدعی است که وقتی قرار داد کنسرسیوم بپایان رسید ایران منطقه نفت کنسرسیوم را در اختیار خود خواهد گرفت و خود بهره‌برداری‌خواهد کرد، درست در چنین زمانی و باچنین ادعائی منابع نفتی ایران را برای شرکتهای نفتی امپریالیستی بحراج گذاشته اند. قیمت نفت حراجی ممکن است بالا رود ولی آنچه که خواست مردم ایران است، احیاء قانون ملی شدن صنایع نفت و اجرای واقعی حق‌حاکمیت بر منابع نفت خویش است. درحالیکه سیاست نفتی دولت ایران علیرغم بدست آوردن امتیازات بهتر نسبت بگذشته - که کسی بالقوه مخالف آن نیست - مآلا بحفظ وتوسعهٔ تسلط شرکت های نفتی امپریالیستی بر بزرگترین ثروت ملی ایران منجر خواهدشد و همین است که صرفنظر از غارت منابع ثروت ما، لطمه باستقلال سیاسی و اقتصادی میهن ما خواهد بود. سیاست ملی نفتی فقط آنچنان سیاستی است که حاکمیت ایران را بر منابع نفتی خود تأمین کند و از آن بسود حفظ و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و رفاه و پیشرفت اقتصادی استفاده نماید. سیاست حراج منابع نفتی خلاف چنین سیاست ملی است.

م. انوشه

دنباله از صفحه ٦

مرحله نوین در زندگی خلق پرو

مردم پرو چندی پیش جشن سالگرد استقلال ملی کشور خویش را برای سومین بار در شرایط رژیمی برگزار کردند که در مدت کمتر از سه سال موجودیت خود برای رفاه کشور و مردم بیش از کلیه دولت های سابق اقدام کرده است. تصادفی نیست که بیشتر مفسرین امریکای لاتین باین نتیجه رسیده‌اند که با سر کار آمدن نیروهای مسلح درواقع‌جمهوری‌نوین یا دومین‌جمهوری در پرو بوجود آمده است.

دولت نظامیان در حقیقت توانست در مدت کوتاهی در راه تحقق برنامهٔ تحولات بنیادی کار های بسیار انجام دهد. پس از ملی کردن «انترنشنل‌پترولیوم» برای‌محدود کردن فعالیت شرکتهای‌امریکائی در صنایع استخراجی اقداماتی بعمل آمد. اصلاحات عمیق و دموکراتیك ارضی با سرعت تمام در جریان است. در راه بهبود سیستم مالی و تحکیم مواضع دولت در رشته های اساسی اقتصاد ملی گامهای عملی برداشته میشود. صنایع استخراجی نیزدر حال نو سازی‌است. سیاست استوار و پیگیر دولت پرو در زمینه حفظ منابع طبیعی کشور صاحبان امتیازات خارجی را بمراعات‌قوانین پرو مجبور ساخت. آنهائیکه میل نداشتند واقعیت نوین پرو را بحساب آورند (اکثر آنها کمپانیهای امریکائی بودند) حق امتیاز خود را از دست دادند. جای آنها را شرکت‌دولتی‌صنایع استخراجی «مینرو پرو» که کامیابانه فعالیت و رشد میکنداشغال‌نمود. مواضع دولت در بازرگانی خارجی نیز بسط میابد.

در سایر عرصه های زندگی پرو نیز تحولات مترقی انجام میگردد.

دولت‌رئیس‌جمهوری ولاسکو آلوارادو که هواداری قاطع خود را از بسط مناسبات مبتنی بر برابری حقوق با کلیه کشور ها صرفنظر از نظام اجتماعی آنها اعلام داشته بود با همان قاطعیت به اجرای این سیاست پرداخته است. چنانکه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مناسبات‌سیاسی و بازرگانی بر قرار شد و این مناسبات با موفقیت گسترش میابد. همکاری این کشور ها درجهات گوناگون‌انجام‌میگیرد. بازرگانی میان آنها توسعه میابد و در زمینه اخذ وام و همکاری علمی-فنی و فرهنگی و غیره قرار داد هائی منعقد میگردد. بهبود و بسط مناسبات با کشور های سوسیالیستی به بالا رفتن اعتبارین المللی پرو کمك قابل ملاحظه ای نمود. اکنون صدای پرو در عرصه بین‌المللی رساتر و نافذ تر از هر زمان دیگر در تاریخ جمهوری پرو، طنین دارد.

پروسه تجدید حیات ملی پرو در شرایطی بغرنج انجام میگیرد. الیگارشی پرو و انحصارات امریکائی پشتیبان آن با هرگونه اصلاحات‌مترقی به مخالفت برمیخیزند و میکوشند از دشواریهای اقتصادی کشور که رژیمهای سابق از خود بجای گذارده‌اند بنفع خویش استفاده کنند. آنها سیاست دولت را تحریم کرده فعالیت مؤسسات‌صنعتی را فلج مینمایند. امپریالیسم امریکا سعی‌دارد پرو را در حلقهٔ «قرنطینه اقتصادی» محاصره کند.

خورخه دل پرادو دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو در سخنرانی خود دربیست‌وچهارمین کنگره‌حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت که «علیرغم فشار امپریالیسم امریکا و تهدید و توطئه داخلی الیگارشی، تحولاتی که از سوم اکتبر ۱۹٦۸در کشورما آغاز گردید عمیق تر میگردد. تشدید مبارزهٔ طبقاتی و تعمیق تحولات موجب بر خورد های هر چه شدید تر با امپریالیسم و الیگارشی میشود. نقش سیاسی پرولتاریا و توده های وسیع مردم بالا میرود و دامنه شرکت متشکل آنها در مبارزه انقلابی بسط میابد»

دشمنان آزادی و استقلال خلق پرو بمنظور تحکیم تسلط استعمارگران و امپریالیستها و ابدی ساختن نظام مبتنی بر استثمار و عدم تساوی طی چندین قرن به جعل واشاعه انواع افسانه ها پرداخته بودند. آنها افسانهٔ «فاتالیسم جغرافیائی» را پیش میکشیدند که تابعیت پرو از امپریالیسم امریکا را امری «ناگزیر» میشمرد. خلق پرو به همهٔ این افسانه‌ها پایان داد و خود را از قید اسارت امپریالیسم رها نمود. پرو توانست در مدتی کمتر از ۳ سال به ثبوت رساند که خود قادر است تکامل اجتماعی و اقتصادی کشور را تأمین نماید. مردم پرو جشن صد و پنجا همین سالگرد استقلال میهن شان را در شرایط اعتلاء پر توان روح میهن پرستی بر گزار کردند. اقدامات جدی دولت رئیس جمهوری ولاسکو آلوارادو در جهت تحکیم استقلال پرو و حفظ منابع طبیعی آن، سالم کردن زندگی سیاسی و بالا بردن اعتبار بین‌المللی کشور، مردم پرو را به آیندهٔ درخشان میهن خویش امیدوار میسازد.

دنباله از صفحه ۱

دربارهٔ «جشنهای ۲۵۰۰ سالگی شاهنشاهی»

ارتجاعی خود را یکبار دیگر با تفرعن مستانه ای عرضه دارد.

ما بمثابه ایرانیان میهن پرست به افتخارات کشور خویش می بالیم و غرور میورزیم. ولی غرور و بالش ما به ستمگران و زورگویان و جباران نیست، بلکه به دانشمندان، هنرمندان، ادیبان، فلاسفه وهمه کسانی است که به فرهنگ و قوام ملی ما خدمت کرده اند. در میان شاهان نیز گاه کسانی بودند که بدین شکل یا بشکل دیگر نقشی از جهت تاریخی مثبت داشته اند. ولی تبدیل تاریخ غنی مردم ایران به تاریخ شاهان وشاهنشاهان و انتساب همه افتخارات ما به آنان خلاف صریح واقعیت تاریخی است. ما به زور گویان و کشور گشایان و اشراف تجمل دوست و عیاش و جباران برده دار و آنانیکه تمام خلق را میچاپند افتخاری نداریم و اکثریت مطلق پادشاهان نیز از این زمره بوده اند.

میهن پرستی از نظر ما یعنی علاقه به خلق زحمتکش کشور، علاقه به حفظ وتکامل فرهنگ مادی و معنوی ساخته دست مردم، علاقه به استقلال و حاکمیت میهن، علاقه به آزادی و بهروزی مردم میهن. از این جهت ما توده ایها میهن پرستان پیگیر وغیور و پر شوریم. هیئت حاکمه میخواهد میهن پرستی را با شاه پرستی یکسان گیرد و دعوی میکند که هر کس باین نظر تن در نمیدهد نه فقط ایرانی نیست، بلکه انسان هم نیست! ما این نظریه خود خواهانه و ساختگی هیئت حاکمه را رد میکنیم. هیئت حاکمه که خود منافع و مصالح ملی ما را بارها فدای مطامع امپریالیستهای غارتگر ساخته، سالهاست تحت این بهانه دروغ که در ایران آزادی خیانت است جلوی میهن پرستان حقیقی را سد میکند. دعوی میهن پرستی هیئت حاکمه و ادعای آنکه این میهن پرستی عین شاه پرستی است مردم ایران را نخواهد فریفت.

این دعوی هیئت حاکمه نیز که گویا وجود شاه و سلطنت تنها شرط قوام و اتحاد ملی در ایران است موافق واقعیات تاریخی نیست. هنگامیکه شاهنشاهی هخامنشی و ساسانی و خوارزمشاهی و صفوی به ترتیب در مقابل هجوم اسکندر، عرب، مغول و افغان درهم ریخت، این مردم بودند که قوام ودوام تاریخ کشور ما را حفظ کردند. این مردم بودند که در مقابل استیلاگران خارجی جان فشانی کردند و زبان و شعر و ادب و فلسفه و علم و هنر ایرانی را طی قرون و اعصار محفوظ داشتند. شاهان میآیند و میروند ولی مردم ایران جاویدند.

دعوی آنکه گویا تاریخ کشور ما سیر ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی است مخالف واقعیت تاریخی است. در این ۲۵۰۰ سال ایران تاریخ پر فراز و نشیبی را طی کرده و بارها تحت سیطره بیگانه درآمده و بارها دچار تفرقهٔ فئودالی شده است. نمایش تاریخ کشور ما بمثابه ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی پی در پی و مداوم یك منظره سازی مصنوعی است که برای مقاصد خاص انجام میگیرد و هدف آن است که رژیم شاهنشاهی را یك رژیم ابدی و طبیعی و سرشتی مردم ایران نشان دهند.

فضاوت در باره رجال تاریخی اعم از آنکه در چه مقامی باشند مربوط بانست که آن رجال، نسبت بزمان و مکان خود، در زمینه اجرای عدالت وپیشرفت خلق وفرهنگ و رفاه وی و حفظ حقوق ملی او چه خدماتی انجام داده اند. صرف عناوین پرطمطراق قادر نیست برای احدی یك افتخار واقعی و جاوید پدید آورد و به ضرب واژه های «شاهنشاه» و «امپراطور» نمیتوان شخصیت سازی کرد.

تاریخ ایران تاریخ خالقان واقعی آن یعنی خلق ایرانست. تاریخ را رجال بزرگ نمیسازند، مردم میسازند. زیرا آنها هستند که نعمات مادی ونعمات معنوی را پدید میآورند، زبان و فرهنگ کشور را نسل به نسل دست بدست میدهند، از موجودیت خود در قبال دست تاراجگر طبیعت و حوادث و بلایای اجتماعی دفاع میکنند. رجال سیاسی در آن حدودی نقش دارند که بیانگر خواست های مردم باشند. تبدیل تاریخ کشور ما به تاریخ شاهان یك منظره سازی عامیانه و مغرضانه است. مردم ایران هرگاه ضرور دانستند با ستمگران داخلی و استیلاگران خارجی اعم از آنکه کدام عنوان را بخود بسته باشند مبارزه کرده اند. تاریخ ایران سرشار است از این مبارزات. نام گئومات، سپتیامن، مانی، مزدك، استاسیس، سند باد، به آفرید، ابو مسلم، بابك، المقنع، مازیار، صاحب الزنج، مردآویج، مبارزان قرمطی، اسماعیلی، سربداری، حروفیه، نقطویه، ستارخان، و دیگر دلاوران مشروطیت، دلاوران قیام جنگل، پسیان، خیابانی، حیدر عمو اغلی، ارانی، روزبه و صد ها و دهها تن ایرانی دلاور که در قبال زور و ستم جباران داخلی و استیلاگران خارجی مردانه ایستادند و جانبازی کردند ثبت صحیفه افتخار و منبع الهام هر ایرانی است.

هدف هیئت حاکمه از برقراری جشن های ۲۵۰۰ سالگی که با تعبیر غلط ونادرست از تاریخ کشور ما و بر پایه یك استنباط عامیانه از تاریخ انسانی انجام میگیرد، رواج کیش شخص پرستی و تجلیل حکومت مطلقه و اثبات این نکته است که مردم ایران به تفکر واراده مستقل خود نیاز ندارند و باید مطیعانه در اختیار کسی باشند که خود را رهبر بزرگ آنان میخواند.

مردم ایران که بانی یکی از نخستین انقلابات بزرگ آسیا در آستانه قرن حاضرند تحت تأثیر این تبلیغات قرار نخواهند گرفت و جاه و جلال و رنگ و زیب این تبلیغات آنها را مجذوب نخواهد کرد و میدانند که باید از طریق تشکل، اتحاد و مبارزه به بهترین آرزو های ملی یعنی استقلال و دموکراسی تحقق بخشند.

آگهی

خوانندگان گرامی میتوانند «مجله دنیا» و «مجله مسائل بین المللی» را در وین از کتابفروشی زیر دریافت کنند:

Österreich
Globus Verlag
Höchstädtplatz 3
A – 1200 Wien

۲۵ سپتامبر روز مبارزه برای آزادی «انجلا دیویس»

محافل مترقی و سازمانها و شخصیتهای دموکرات در امریکا و سراسر جهان روز ۲۵ سپتامبر را بعنوان روز مبارزه برای آزادی «انجلا دیویس» دانشمند جوان وسیاه پوست وکمونیست دلیر امریکائی برگزار کردند. در تظاهراتی که در این روز در سراسر جهان با شرکت میلیونها نفر برگزار شد، جهانیان آزادی فوری انجلا دیویس را خواستار شدند. ملت ایران همراه با کلیه ملل جهان آزادی بیدرنك انجلا زن جوان و رزمنده امریکائی را خواستار است.

تسلیت

با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که رفیق ذبیح اله شریفی یکی از اعضای با سابقه و فعال حزب ما در سن چهل و هفت سالگی با مرگی نا بهنگام و به بیماری سرطان در گذشت. شریفی در سال ۱۳۰۳ در شهر تبریز متولد شده و تحصیلات خود را نیز در آنجا بپایان برده بود. فعالیت در سازمان حزب تودهٔ ایران در شهر شاهی مازندران در سالهای ۱۳۲۲ ـ ۱۳۲۳ آغاز شد. پس از تأسیس فرقه دمکرات آذربایجان رفیق شریفی با توشه‌ای از تجربهٔ سازمانی انقلابی در آن بکار و فعالیت پرداخت. دردوران مهاجرت تحصیل خودرا در مدرسه عالی حزبی در شهر باکو با موفقیت بپایان رساند و پس از چند سال کار اجتماعی وارد دانشکده پلی تکنیك آذربایجان شده و پس از طی آن بدریافت دانشنامه مهندسی ساختمان نائل گردید و مدتی با این تخصص بکار پرداخت. رفیق شریفی تا پایان عمر خود یکی از کادر های بسیار فعال حزب بود و در راه پیش برد هدفهای حزبی از هر گونه بذل مجاهدتی دریغ نداشت.

رفیق ذبیح اله شریفی با صفات مهربانی پرکاری، خونگرمی و برخورد رفیقانه نسبت بدوستان و مراعات روش اصولی در مسائل ممتاز و از اینجهت نزد آشنایان و دوستان محبوب بود. خاطره روشن رفیق فقید ذبیح اله شریفی در دفتر مبارزه مردم ایران و درقلوب دوستان و رفیقان همواره باقی خواهد بود.

هموطنان عزیز!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیك ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden